

به روایت خانم وولف

نگاهی به کتاب در جستجوی صدای زنان در ادبیات

نویسندگان زن

بهار خسروی

گروه کتاب

ویرجینیا وولف معمولاً با رمان‌های «خانم دالووی» و «به‌سوی فانوس دریایی» شناخته می‌شود؛ اما بخش مهمی از جایگاه او در تاریخ ادبیات، مدیون جستارها و نقدهای ادبی‌اش است. وولف در این نوشته‌ها نه تنها به ارزیابی آثار و نویسندگان می‌پردازد، بلکه پرسش‌هایی بنیادین را مطرح می‌کند: چه کسانی امکان نوشتن دارند؟ تجربه چه کسانی در ادبیات جدی تلقی می‌شود؟ و نویسنده برای دستیابی به زبان و صدای مستقل خود، نیازمند چه بسترهایی است؟ او در این متون، پیوندی جدانشدنی میان فرم ادبی و عدالت اجتماعی برقرار می‌کند و نشان می‌دهد برای تحول در ادبیات، ابتدا باید شرایط مادی و ساختارهای ذهنی تولید آن را دگرگون کرد. با این حال، نقد وولف صرفاً به مقولات اجتماعی محدود نمی‌ماند و در پی واگویی امکان آفرینش هنری است. از نگاه او نویسنده برای خلق اثری زنده و ماندگار، باید از تقلید قالب‌های تکراری و داورهای کلیشه‌ای فاصله بگیرد. وولف معتقد بود ادبیات نباید فقط ظاهر زندگی یعنی اتفاق‌ها، مکان‌ها و جزئیات بیرونی را نشان بدهد. به نظر او، بخش مهم‌تر زندگی در درون انسان می‌گذرد: در فکرها، خاطرها، احساس‌های لحظه‌ای و در نکاتی که شاید خیلی زود از ذهن عبور کنند. برای همین، نویسنده خوب کسی است که بتواند این حرکت‌های ظریف ذهن را ثبت کند، نه اینکه فقط یک داستان معمولی را تعریف کند.

وولف همچنین نگاه تازه‌ای به زمان در داستان داشته است؛ او معتقد بود زمان فقط آن چیزی نیست که با ساعت و تقویم سنجیده می‌شود، گاهی یک لحظه کوتاه در ذهن انسان آن‌قدر عمیق و مهم است که از چند سال زندگی عادی پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. ادبیات، از نظر او، باید بتواند همین لحظه‌های مهم و درونی را به تصویر بکشد. از طرف دیگر، وولف برای خواننده هم نقش مهمی قائل است. او بر این باور بود که معنی متن فقط همان چیزی نیست که نویسنده از قبل تعیین کرده، بلکه خواننده باید با دقت و حساسیت وارد متن شود و خودش هم در فهم آن شریک باشد. به همین دلیل، نقد ادبی برای وولف فقط داری کردن نبود، بلکه نوعی گفت‌وگو با اثر ادبی بود. در این نگاه، خواندن هم مانند نوشتن، کاری خلاقانه است. خواننده نباید فقط به دنبال پیام مستقیم یا نتیجه‌گیری قطعی متن باشد. او باید به لحن، سکوت‌ها، تغییر احساس‌ها



در جست‌وجوی

صدای زنان در ادبیات

● نویسنده: ویرجینیا وولف

● مترجم: سید حسام فروزان

● انتشارات: عینک

● تعداد صفحات: ۱۳۰ صفحه

● قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

آلایین ویرجینیا وولف، زاده ۲۵ ژانویه ۱۸۸۲ رمان نویس، مقاله‌نویس، ناشر و منتقد بود. او از جوانی دیدگاه‌های ادبیی خود را که متماثل به شیوه‌های بدیع نویسندگانی چون جیمز جویس، هنری جیمز و جرج پروسست بود، در مطبوعات به چاپ می‌رساند. بین سال‌های ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۱، موفق شد در دانشکده زنان کالج سلطنتی لندن درس‌هایی را در زبان یونانی، لاتین، آلمانی و تاریخ بگذراند. سال ۱۹۰۴ ویرجینیا وولف به خانه‌ای در میدان گوردون در منطقه بلومزبری نقل مکان کرد. در آنجا بود که گروه موسوم به حلقه بلومزبری تشکیل شد؛ حلقه‌ای از نویسندگان، هنرمندان و متفکران که در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم کار و زندگی می‌کردند



و برای مطالعه، مباحثه و معاشرت گرد هم می‌آمدند. ویرجینیا که مدت‌ها بود خود نویسنده می‌دانست، در سال ۱۹۰۵ شروع به نوشتن در ستون کوچک در ضمیمه ادبیی روزنامه «تایمز» کرد. ۲۰ ساله بود و هنوز کتابی منتشر نکرده بود، اگرچه مدت‌ها بود روی رمان «سفر خارج» کار می‌کرد. برادر ناتنی‌اش پذیرفت این رمان را منتشر کند و کتاب در نهایت در سال ۱۹۱۵ منتشر شد. در سال ۱۹۱۷ و پس از پشت سر گذاشتن یک دوره جنون شدید، یک دستگاه چاپ در محل اقامت او و همسرش نصب شد. نشریه «هوگارت» که بعدها جزو مجلات برتر لندن شد، از همین خانه شروع به فعالیت کرد. در همین دوران بود که رمان «شب و روز» را آغاز کرد و آن را در سال ۱۹۱۸ به پایان رساند و سال ۱۹۱۹ منتشرش کرد. سال ۱۹۲۰ نوشتن رمان «اتاق چیکوب» را آغاز کرد، همان سال آن را به پایان رساند و دو سال بعد در انتشارات خود به نام «هوگارت وولفز» منتشرش کرد. سال ۱۹۲۳، رمان «خانم دالووی» را شروع

کرد و سال ۱۹۲۵ آن را منتشر کرد. در همین سال در حال کار روی کتاب «به سوی فانوس دریایی» هم بود. «ارلاندو» زندگینامه یک زن و مرد و ادای احترام ویرجینیا به دوستی نزدیکش با ویتا ساکویل وست بود، اثری که به سرعت در فاصله سه سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۲۷ نوشته و در نهایت در اکتبر ۱۹۲۸ منتشر شد. کتاب «موج‌ها» نیز در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۱ نوشته و بازنویسی شد و در اکتبر ۱۹۳۱ منتشر شد. اما پیش از آن نگارش کتاب «فلاش» را شروع کرده بود؛ داستان سگ خانگی الیزابت بارت براونینگ که موفق بود. در سال ۱۹۳۲ شروع به کار روی اثری کرد که در نهایت با نام «سال‌ها» منتشر شد.

از وولف آثار کوتاه و دو مجموعه کتاب «خواننده معمولی» و «اتاقی از آن خود» نیز به چاپ رسیده است. پس از مرگ دوستش راجر فرای تصمیم گرفت زندگی‌نامه او را به رشته تحریر در بیاورد اما ابتدا به بیماری در سال ۱۹۳۶ این پروژه را به تأخیر انداخت. ویرجینیا در

اواخر همان سال به جای ادامه زندگی‌نامه فرای، نگارش جستار طولانی «سه‌گانه» را شروع کرد، که در سال ۱۹۳۸ منتشر شد. در همین دوران و در سال ۱۹۳۷ نیز اثر «سال‌ها» منتشر شد، زمانی که مجدداً کار روی نوشتن زندگی‌نامه فرای را آغاز کرده بود. زندگی‌نامه راجر فرای در تابستان ۱۹۴۰ منتشر شد. او پس از آن، نگارش اثر «در میان نقش‌ها» را آغاز کرد و آن را در فوریه ۱۹۴۱ به پایان رساند. ویرجینیا وولف طی جنگ‌های جهانی اول و دوم بسیاری از دوستان خود را از دست داد که باعث افسردگی شدید او شد. با پایان نگارش کتاب «در میان نقش‌ها» بود که وضعیت روانی‌اش به طرز وحشتناکی رو به وخامت رفت، تا جایی که دیگر قادر به مبارزه و سرکوب حالات جنون و مالیخولیای‌اش نبود.



خوب از نویسنده‌ای می‌داند که بدون تقلید از الگوها، صدای مستقل خود را پیدا می‌کند. امیلی برونته را برای تخیل نیرومند و اسطوره‌ای‌اش می‌ستاید؛ او را زنی می‌داند که با قدرت تخیل خود از انزوا و محدودیت‌ها فراتر رفته و جهانی پهنارو خلق کرده است.

شارلوت برونته از نظر او نویسنده‌ای پرشور اما آسیب‌دیده است. به‌زعم وولف، خشم و رنج ناشی از زندگی‌اش مستقیماً به ساختار هنری آثار او نفوذ کرده و تعادل زیبایی‌شناختی متن‌هایش را تحت‌الشعاع قرار داده است. دوروتی ریچاردسون را نویسنده‌ای پیشگام در مدرنیسم و جریان سیال ذهن می‌داند که تلاش او برای ثبت لایه‌های درونی زنانه را ازج می‌نهد، اگرچه نگاه نهایی‌اش با نوعی احتیاط زیبایی‌شناختی همراه است.

چگونه خواننده بهتری باشیم؟

وولف در این مقالات تعارف ندارد و رک و پوست‌کنده حرف خود را می‌زند. او به راحتی سنت‌های ادبیی زمان خودش را نقد می‌کند و می‌گوید چرا آنها دیگر کارآمد نیستند.

وولف در این کتاب ادبیات را جدا از زندگی نمی‌بیند و یکی از بهترین بخش‌های کتاب این است که به مخاطب می‌آموزد چگونه

نوعی فاصله، خلأ و ناآرامی درونی را تجربه می‌کند. وولف با طرافت نشان می‌دهد که پشت ظاهر آرام و منظم زندگی اجتماعی، دنیایی پیچیده و آشفته از احساسات و پرسش‌های خاموش وجود دارد. زمان در این رمان نقش مهمی دارد. ساعت‌های لندن بارها در متن شنیده می‌شود و گذر بی‌وقفه زندگی را یادآوری می‌کند. شخصیت مدام میان زمان حال و گذشته در حرکت‌اند. گذشته برای آنها تمام نشده است؛ خاطرات جوانی، عشق‌های از دست رفته، تصمیم‌های قدیمی و حسرت‌ها همچنان در ذهنشان زنده‌اند و روی لحظه اکنون سایه می‌اندازند.

اهمیت «خانم دالووی» در این است که نشان می‌دهد یک روز معمولی می‌تواند سرشار از معنا باشد؛ روزی که در ظاهر با خرید گل و آماده کردن میهمانی می‌گذرد، اما

در باطن با خاطره، اضطراب، زیبایی، تنهایی و اندوه پیوند خورده است. ویرجینیا وولف در این رمان، زندگی درونی انسان را با دقتی کم‌نظیر و زبانی روان‌شناسانه تصویر می‌کند. «خانم دالووی» فقط داستان یک زن در لندن نیست؛ داستان انسان مدرنی است که میان گذشته و حال، زندگی و مرگ، جمع و تنهایی، ظاهر آرام و درون آشفته گرفتار شده است. از

همین رواست که این رمان، با گذشت نزدیک به یک قرن از انتشارش، همچنان زنده، خواندنی و تأمل‌برانگیز باقی مانده است.

از این رمان اقتباس‌های سینمایی هم شده است. «خانم دالووی» - Mrs Dalloway - در سال ۱۹۹۷ به کارگردانی مارلین گریس ساخته شد. این فیلم اقتباسی مستقیم از رمان ویرجینیا وولف است و سعی می‌کند همان فضای ذهنی، خاطره‌ها و رفت‌وآمد میان گذشته و حال را نشان دهد. «ساعت‌ها» - The Hours - فیلم دیگری است که در سال ۲۰۰۲ به کارگردانی استیون دالدری و با بازی نیکل کیدمن ساخته شده است. این اثر سینمایی، اقتباسی مستقیم از «خانم دالووی» نیست، بلکه بر اساس رمانی از مایکل کانینگهام ساخته شده که به‌شدت از «خانم دالووی» و زندگی ویرجینیا وولف الهام گرفته است. در «ساعت‌ها»، سه زن در سه زمان مختلف نشان داده می‌شوند و یکی از خطوط داستانی به خود ویرجینیا وولف مربوط است.



تابلوی زن در حال مطالعه از لوویس کورنیت در سال ۱۸۸۸

گفت‌وگوی بی واسطه با ویرجینیا



سید حسام فروزان

مترجم کتاب

در جست‌وجوی

صدای زنان در

ادبیات

فارسی‌زبان با جنبه‌های دیگری از شخصیت، ذهنیت و طرز فکر این نویسنده آشنا شوند.

به نظر من، اهمیت عاطفی کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» در این است که بی‌واسطه با ویرجینیا وولف به گفت‌وگو می‌نشینیم و بدین سبب، واسطه قصه و روایت از میان برداشته شده است. مهم‌ترین ویژگی این کتاب این است که خواننده وارد کارگاه اندیشه نویسنده می‌شود؛ در نتیجه به این درک می‌رسد که چه تفراتی در ویرجینیا وولف منجر به نوشتن کتاب «اتاقی از آن خود» یا آثار دیگرش شده است.

در این مقالات، ویرجینیایی را می‌بینیم که بی‌محابا راجع به موضوعاتی از قبیل رمان، داستان، زنان نویسنده و حتی موقعیت اجتماعی و مشارکت زنان در آن روزگار نظریه‌پردازی می‌کند. در واقع با وجه روشنفکری وولف بیشتر آشنا می‌شویم و با او و آثارش بهتر ارتباط می‌گیریم.

تفاوت نگارش کلاسیک و مدرن

کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» ویژگی‌های بسیاری دارد تا مخاطب امروز را به خود جذب کند. در وهله اول نام ویرجینیا وولف است که به هر حال باعث کنجکاوی اهالی ادبیات خواهد شد. بعد از آن فکر می‌کنم مجموعه جستارهای یک نویسنده مهم، می‌تواند انتخاب خوبی برای اهل کتاب باشد. مقوله «جستار» در سال‌های اخیر در میان فارسی‌زبانان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده و مجموعه جستارهای متنوع و خواندنی نیز به بازار آمده است.

در نهایت، کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» می‌تواند برای کتابخوان‌های حرفه‌ای و علاقه‌مندان جدی ادبیات بسیار مناسب باشد. قطعاً دانشجویان هنر و ادبیات نیز نکات خواندنی و کاربردی در این کتاب پیدا خواهند کرد. به‌خصوص برای کسانی که رمان‌های وولف را خوانده‌اند و آثارش را دوست دارند به نوعی این کتاب، تکمیل‌کننده مطالعات ادبی آنها خواهد بود.

در عین حال، نشر کتاب ساده و روان است و برای عموم خوانندگان می‌تواند انتخاب خوبی باشد. وولف به‌طور مشخص در سه مقاله «نوشتار زنانه در داستان»، «زنان رمان نویس» و «زنان و داستان» به مسأله نویسندگی زنان و نقش آنها در تاریخ ادبیات می‌پردازد.

او به ویژگی‌های نوشتار زنانه اشاره می‌کند و تفاوت آن را با نوشتار مردانه می‌سنجد. وولف به «ساقوف»، شاعر روم باستان و چین آستن به‌عنوان نمونه نویسندگان بزرگ زن اشاره می‌کند که جزئیات عالی را با حس عالی هنری ترکیب می‌کنند.

او نویسندگان زن را دارای قدرت «تحلیل موشکافانه» و نبوغ در تحلیل آنها در تاریخ ادبیات می‌داند.

در هر صورت، بیشتر مقالات این کتاب و نوشته‌های ویرجینیا وولف برای من جذابیت داشت، اما جستار «داستان مدرن» به‌نظم بسیار جالب‌تر بود؛ آنجایی که نویسنده به تفاوت‌های سبک نگارش کلاسیک و مدرن می‌پردازد و از نویسندگان بزرگی مانند هنری فیلدینگ، توماس هاردی و جوزف کنراد نام می‌برد.

استاد کلمات

هر ترجمه‌ای چالش‌های خاص خود را دارد. ویرجینیا وولف استاد کلمات است، برای همین برای من مهم بود که معنا و مفهوم واژگان او به بهترین شکل به فارسی منتقل شود. کلمات علاوه بر معنا، دارای بار تاریخی و اجتماعی هم هستند، پس باید در معادل‌یابی دقت فراوانی صورت گیرد. مثلاً اگر شما به جای «مقاله» بگذارید «جستار»، سابقه و زمینه تاریخی متفاوتی را وارد متن نویسنده می‌کنید. مهم‌ترین چالش من این بود که لحن و ریتم درونی جملات نویسنده و مفهوم داستانی و تمام و کمال در زبان مقصد بنشینند و منتقل شود. این کتاب در میان کارهای دیگرم، جایگاه خیلی ویژه‌ای دارد، چون به نوعی، آغاز دوران تازه‌ای برای من محسوب می‌شود.

پس از این، چندین کتاب در حوزه‌های ادبیات کودک و نوجوان، خودیاری و روان‌شناسی مثبت‌گرا به چاپ رسانده‌ام، اما ترجمه ادبی همیشه علاقه اصلی‌ام بوده است. با ویرجینیا وولف وارد عرصه‌ای شدم که احساس می‌کنم بیش از همه به آن تعلق خاطر دارم.

به‌نظم تأثیر ذهن، زبان و پیشینه مترجم در متنی که ترجمه می‌کند، ناخودآگاه است و تا جایی هم نمی‌توان جلوی آن را گرفت.

اگر مترجم دیگری این متن را ترجمه می‌کرد، شاید انتخاب‌های دیگری داشت. من معمولاً تا حدودی که معنا و منظور نویسنده فدا نشود، سعی می‌کنم ترجمه تجربه روزمره و ویژه جایگاه زنان در سنت ادبی آشنا می‌کند

من معمولاً سعی می‌کنم سراغ کتاب‌هایی بروم که نادیده گرفته شده‌اند و جایشان خالی است. خیلی اهل گرایش‌های روز یا ترجمه آثار پرطرفش به قصد همراهی با جریان‌های پرطرفدار دنیا نیستم. به‌نظم بسیاری از آثار مهم و خواندنی ادبیات معاصر چه در حوزه داستان و چه نقد و نظریه ادبی هنوز ترجمه نشده‌اند و خواننده فارسی‌زبان از داشتن آنها محروم است.

همین مجموعه مقالات ویرجینیا وولف وقتی به من پیشنهاد شد، تعجب کردم که چرا تا به حال ترجمه نشده بود؟! چون وولف، نویسنده مهم و تأثیرگذاری است و در میان خوانندگان فارسی نیز هوادار دارد.

اگر ناشران از ترجمه‌های تکراری کتاب‌های معروف دست بردارند و به سراغ کارهای کمتر دیده شده بروند، حرکت مثبتی خواهد بود.

خوشبختانه هنوز بعضی ناشران مثل نشر عینک هم هستند که دیدگاه فرهنگی دارند و از این آثار حمایت می‌کنند؛ امری که در شرایط بسیار سخت نشر و پخش کشورمان واقعاً ارزشمند است.